**تبليغ اسلام با تبليغ هر دين ديگري فرق دارد**

**مژگان ايلانلو**

(شرق 1386.3.30)

آقاي اسکندري معاون تبليغ در نهادي است که متولي تبليغ اسلام است؛ سازمان تبليغات اسلامي. او که يک سال و نه ماه از پذيرش مسووليتش مي گذرد معتقد است که کارهاي زيادي بايد انجام شود، خود را فردي فراجناحي مي داند براي همين هم در برابر کساني که با تعجب از او سوال کرده بودند که چرا مي خواهد با روزنامه شرق گفت وگو کند، گفته است که تبليغ دين خدا، چپي و راستي نمي شناسد. گفت وگو با يک مسوول سازمان تبليغات اسلامي به اين راحتي و صراحت تجربه جذابي براي يک روزنامه نگار است. بدون هيچ ملاحظه اي مي توانيد هر سوالي که خواستيد از او بپرسيد و مطمئن باشيد که با لبخند پاسختان را دريافت خواهيد کرد، نترسيد سوال بعدي را هم بپرسيد.

\*\*\*

مي خواهم از شما بپرسم اصلاً چرا بايد دين خدا را تبليغ کرد؟ مگر نه اينکه خود خداوند حفاظت از دينش را تضمين کرده و اگر آدمي به حال خودش واگذاشته شود، بر اساس فطرتش به سوي دين گرايش خواهد داشت، پس چرا بايد دستگاه بزرگي متولي تبليغ دين شود؟

در پاسخ به سوال شما بايد بگويم که انسان دچار نسيان و فراموشي است و به همين دليل واضح، نمي تواند به حال خودش واگذاشته شود، دين بدون تبليغ، دين نخواهد بود، حتي پيامبر اسلام هم در قرآن مامور به تذکر دادن است و خداوند مدام به او مي گويد که يادآوري کن، در واقع تکرار اين بحث در قرآن کريم، دليل بر استمرار آن است به اين معني که ما نيز موظف به تذکر دادن هستيم که همان تبليغ دين است.

ضمن آنکه انسان تاثيرپذير است و زرق و برق هاي دنيا و پيشرفت هاي حيرت انگيز آن، آدمي را به خود مشغول مي کند و دشمنان ما با استفاده از وسايل ارتباط جمعي مدام بي ديني را تبليغ مي کنند، پس از همين نکات مي توان به ضرورت تبليغ دين پي برد.

برخي افراد معتقدند که تبليغ دين امري معنوي است و نبايد دولت يا حاکميت متولي آن باشد. به عبارتي اگر حکومت ديني به رفاه و آسايش و امنيت مردم بپردازد، تبليغ دين خدا بيشتر و بهتر انجام مي شود تا اينکه دستگاهي در حکومت ديني، مبلغ امر دين در بين مردم باشد؟

سوال بسيار خوبي پرسيديد اصلاً من منتظر اين سوالتان بودم و تقريباً مطمئن بودم که آن را مي پرسيد.

پس معلوم مي شود که بارها در معرض پاسخ دادن به چنين سوالي قرار گرفته ايد.

بله، اين سوالي است که چند سال است متداول شده و خيلي ها آن را مطرح مي کنند و البته پاسخ مفصلي هم دارد که تلاش مي کنم از جنبه هاي مختلف به آن جواب دهم، نخست آنکه تبليغات ما در حوزه دين، حکومتي نيست. ممکن است حاکميت امکاناتي را براي ما فراهم کند يا حتي از ما پشتيباني کند اما اين نشان از حکومتي بودن ما نيست. در بسياري از کشورهاي دنيا، حتي کشور لائيکي مثل ترکيه دولت از مبلغان ديني حمايت مي کند.

اما خاستگاه حمايت آنها با حمايت شما از مبلغان فرق مي کند.

بله، همين طور است، مي خواهم بگويم وقتي مبلغان ديني در چنان جامعه هايي مورد توجه و حمايت دولت هستند، پس در کشوري که ولي فقيه در راس آن است و حکومت اسلامي است، امر غريبي نخواهد بود که مبلغان مورد حمايت و پشتيباني دولت قرار گيرند. البته يک بار ديگر تاکيد مي کنم که سازمان تبليغات اسلامي دولتي نيست، بلکه يک نهاد مردمي وابسته به رهبري است و نهاد ولايت فقيه يک نهاد مردمي است نه حکومتي. در چنين فضايي بايد گفت که دولتمردان بهتر است به امور محوله خود بپردازند و دخالت مستقيمي در امر تبليغ دين نداشته باشند. نبايد فراموش کرد مردم ما براي دين انقلاب کردند و دغدغه اصلي آنها مسائل ديني است.

چند هزار مبلغ در کشور وجود دارد؟

تا حدود يک سال و نيم قبل حدود 14هزار نفر مبلغ رسمي داشتيم، اما در حال حاضر 30 هزار مبلغ رسمي در کشور وجود دارد.

مبلغ غيررسمي هم داريم؟

بله افرادي که به صورت سنتي تبليغ دين مي کنند يا خودشان شخصيت هاي مقبول و مورد توجه مردم هستند، در شمار مبلغان غيررسمي سازمان تبليغات قرار مي گيرند.

چه تعداد مبلغ براي جمعيت هفتاد ميليوني ايران مطلوب است؟

تعداد مطلوب مبلغ براي جمعيت کشور ما رقمي نزديک به پانصد هزار نفر است. که البته براساس برنامه توسعه چهارم کشور ما موظف شده ايم کار خود را به نحو مطلوب گسترش دهيم.

چه عواملي شما را در اجرا کردن بهتر برنامه هايتان ياري خواهد کرد؟

نخست آنکه حوزه هاي علميه بتوانند نيروي انساني لازم را براي ما تامين کنند و دوم تامين بودجه لازم از سوي نهادهاي مربوط.

آيا مبلغ اسلامي بايد لزوماً روحاني باشد؟

اين مساله دلايل متعدد دارد؛ نخستين دليلش اين است که در کشور ما از قديم الايام به شکل سنتي امر تبليغ دين به روحانيون واگذار شده است و اين امري پذيرفته شده از سوي مردم ماست. نکته دوم اينکه وقتي در هر امري مي پذيريم که کار بايد به متخصصان واگذار شود، بر اساس همين منطق بايد پذيرفت که تبليغ دين هم توسط کسي صورت مي پذيرد که سال ها در حوزه علميه درس خوانده است و در واقع متخصص کار شده است.

اگر کسي در دانشگاه الهيات بخواند آيا متخصص نخواهد بود و اجازه تبليغ دين را نخواهد داشت؟

ما هرگز مانع کسي که بخواهد دين خدا را تبليغ کند نخواهيم شد و در صورتي که فردي آگاه و مطلع باشد، حتي از او حمايت هم خواهيم کرد. براي مثال در بحث گفتمان هاي ديني ما از اساتيد دانشگاه استفاده بسياري کرديم اگر چه آنان در شمار مبلغان رسمي ما نبودند.

آيا سازمان مبلغان خانم هم دارد؟

متاسفانه تاکنون به دليل مشکلات خاص نتوانسته ايم مبلغه اعزام کنيم اما در حال سازماندهي حدود چهارهزار مبلغه هستيم که ان شاءالله به زودي انجام خواهد شد. اگرچه تاکنون برخي از بانوان مبلغه به عنوان همسر مبلغ وقتي به منطقه اي اعزام شدند خودشان دست به تبليغ زده اند و مورد حمايت ما هم بوده اند.

مشکلاتي که گفتيد درباره اعزام مبلغه ها وجود دارد، چيست؟

اساساً مکانيسم اعزام مبلغات با مبلغين متفاوت است، نخستين مساله محيط تبليغي آنان است و نکته دوم مساله اسکان آنهاست، کارشناسان در حال تدوين شيوه نامه اي براي حل اين مشکلات هستند. مساجد محل مناسبي براي فعاليت هاي اين افراد است علاوه بر آنکه دبيرستان ها و دانشگاه ها و نيز منازلي که در آن محافل بانوان تشکيل مي شود از جمله محيط هاي کاري مبلغه هاست.

اشاره اي به محافل خانگي بانوان کرديد. برخي از اين محافل در اختيار بانوان کم سوادي است که يکي از بزرگترين آفت هاي تبليغ و معرفي دين به قشر مهمي از جامعه هستند. اساساً برخورد با اين افراد در برنامه هاي سازمان هست يا خير؟

در طرح سال 86سازمان تبليغات اسلامي، يکي از اولويت ها مساله ساماندهي محافل خانگي بانوان است. قبول داريم اين جلساتي که به صورت سنتي برگزار مي شود، مشکلاتي دارد، اما تاثيرات مثبتي دارد که سازمان هرگز آن را ناديده نمي گيرد. بحث آسيب ها نکته ديگري است که خوشبختانه با اقبالي که مردم نسبت به بانوان مبلغه تحصيل کرده و جوان نشان مي دهند، کم رنگ تر خواهد شد، علاوه بر اينکه تلاش مي کنيم تا همه افرادي که در اين بخش قرار مي گيرند داراي کارت شناسايي و شناسنامه لازم باشند.

مشخصات يک مبلغ مطلوب از نگاه شما چيست؟

اولين و مهمترين مشخصه يک مبلغ مطلوب علم، اطلاع و آگاهي از مسائل و مباني ديني و دستورات اسلامي است، دومين ويژگي او در تقوا و زهد و از همه مهمتر عامل بودن به دستورات ديني است.

در واقع مردم ما که از درک بسيار بالايي برخوردارند در اين بخش بسيار حساس و تيزبين هستند که آيا يک مبلغ خودش به مسائلي که مي گويد عمل مي کند يا خير. مساله آشنايي با مسائل روز و حوادث زمان ويژگي ديگر يک مبلغ اسلامي است. اين نکته اي بسيار مهم است که او نيازهاي زمان و جامعه اش را بداند و ويژگي آخر در آشنايي با شيوه هاي تبليغي است، ما اگر چه هنوز شيوه هاي سنتي را قبول داريم و حتي از آنها حمايت مي کنيم اما استفاده از فناوري روز براي مبلغان ضرورتي اجتناب ناپذير است.

اين ويژگي هايي که گفتيد چگونه در مبلغانتان به وجود مي آيد؟

ما آنها را آموزش مي دهيم و آنها موظف به گذراندن دوره هاي مخصوصي هستند.

يعني اين گونه نيست که کسي به صرف روحاني بودن بتواند مبلغ باشد، بايد حتماً دوره ببيند.

مي تواند تبليغ اسلام کند، اما اگر قرار باشد شناسنامه سازمان در دستش باشد بايد اين دوره ها را بگذراند. دوره هايي که گفتم در گروه هاي مختلف فرق مي کند. آموزش براي مبلغي که مي خواهد کودکان و نوجوانان را تبليغ کند با آن کس که مي خواهد براي دانشگاهيان سخن بگويد فرق مي کند، چنان که زبان تبليغ براي مبلغي که در سيستان و بلوچستان تبليغ مي کند با مبلغي که در شهري مانند اصفهان است فرق مي کند. تشکيل اين گروه هاي آموزشي يکي از کارهاي جدي در سازمان است.

مي توانم بپرسم اين گروه هاي آموزشي توسط چه کساني اداره مي شود، به اين معني که آيا شما کارشناس لازم براي چنين آموزش هايي داريد؟

ما تيم کارشناسي خوبي داريم، اگرچه هنوز جاي کار بسياري وجود دارد، اما استفاده کردن از مبلغان بومي نکته اي است که مورد توجه سازمان است و بر آن تاکيد مي شود.

مبلغاني که اعزام مي شوند چقدر حقوق يا حق ماموريت مي گيرند؟

ما به همان شيوه سنتي رفتار مي کنيم، به اين ترتيب که از قديم رسم بوده، مردم منطقه علاوه بر آنکه مساله اسکان و اقامت مبلغ را خودشان حل مي کنند، مبلغي هم به عنوان هديه به او مي پردازند، هزينه هاي مربوط به سفر را هم سازمان پرداخت مي کند و مبلغي هم براي افرادي که به مناطق محروم مي روند پرداخت مي شود.

تاکيد بسياري بر آموزش هاي خاص مبلغان داشتيد، چه تضميني وجود دارد که مبلغ شما در روستاهاي دورافتاده همان شيوه ها را اعمال کند؟

مکانيسم کنترل در سازمان بسيار جدي است، دفاتر سازمان در مراکز استان و شهرستان ها به مراکز اعزام مبلغ سرکشي و به شکايات رسيدگي مي کنند. اما اگر مبلغي در ليست افراد اعزامي ما نباشد و مردم از او شکايت داشته باشند، دفاتر او را به مرکز دعوت مي کنند و به او تذکر مي دهند، در مراحل بعد هم که مراجع قضايي وجود دارد.

چرا تمام کساني که مي خواهند تبليغ کنند، موظف به سامان يافتن نمي شوند و تنها بخشي از آنان در کنترل و آموزش يک سازمان مشخص هستند؟

دليل اول اين است که اين امر نيازمند يک طرح جامع است که در حال بررسي است و سازمان تبليغات بر اساس برنامه چهارم توسعه موظف به پيگيري ماجراست. دليل دوم هم اين است که در برخي موارد اساساً ما بنا نداريم به شکل آشکار وارد شويم، فکر مي کنيم که مردم با شيوه هاي سنتي رابطه خوبي دارند و حذف کردن آن کار عاقلانه اي نيست.

پس مساله خرافات در دين چه مي شود که اين مبلغان، بايد با آن برخورد کنند. اصلاً برخورد با خرافات مساله سازمان است يا خير؟

بر اساس دستور صريح مقام رهبري برخورد با خرافات به شکل اولويت در کار سازمان قرار گرفته است و ما با جديت با ترويج خرافه برخورد مي کنيم، نمونه آن را هم در محرم امسال شاهد بوديد.

درباره خرافه نکته ظريفي وجود دارد. خيلي از افرادي که با آنها برخورد مي شود بر پاي منابر با حالتي مظلوم نمايي مي کنند و به مخاطبان مي گويند که اجازه داده نمي شود آنها درباره مسائلي حرف بزنند و به گونه اي مي گويند که گويي آن خرافات فقط به دليل ممانعت مقامات رسمي قابل طرح نيست نه به اين دليل که آن سخن غلط است و اين شيوه متاسفانه تاثير خوبي روي مخاطبان ندارد.

مساله خرافات ريشه اي تر از آن است که با برخوردهاي مقطعي حل شود. ما با تيم هاي کارشناسي مشغول بررسي هستيم و نيازمند زمان و نيروي بيشتري هستيم، چنان که خرافه يک باره نيامده، يک باره هم از بين نخواهد رفت. ممکن است شتاب کار کم باشد که البته لازمه کار است، چون يک کار کارشناسي و ظريف است و نيازمند آموزش است. علاوه بر آنکه با اعتقادات مردم سرو کار دارد و بسيار حساس است. اما عزم ما براي خرافه زدايي جدي است.

آيا مبلغان شما در مسائل سياسي مانند انتخابات هم فعاليت مي کنند؟

در مسائل سياسي تا آنجا که مربوط به ترغيب مردم براي شرکت در انتخابات باشد و ملاک هاي فرد اصلح را بگويند، بله وارد مي شوند اما آنها به شکل صريح از تبليغ کردن براي فردي خاص منع شده اند. اگرچه خودشان مي توانند به شکل غيررسمي اگر مردم بپرسند، نظر شخصي خود را اعلام کنند. حساب مبلغان غيررسمي هم که از چارچوب هاي سازمان جداست.

مي دانيد که در دنيا شيوه هاي تبليغ تغيير کرده است و متوليان اديان بزرگ معتقدند که ديگر نمي توان آدمي را به اين بهانه که تو متوجه حقيقت نيستي يا نياز به روشن شدن داري در جايي نگه داشت و او را مجاب کرد که باورش اشتباه است. در واقع روانشناسان معتقدند که شيوه هاي مستقيم تبليغ منسوخ شده اند، چنان که مسيحيان و بوداييان و اديان ديگر هم از اين شيوه هاي مستقيم تبليغ ديگر استفاده نمي کنند. نظر شما چيست؟

ما خودمان شيوه داريم و اگر آنها شيوه شان منسوخ شده حتماً اشکالي در کارشان بوده است. تبليغ اسلام با تبليغ هر دين ديگري در جهان فرق مي کند چون دين اسلام ماهيتاً با هر دين ديگري فرق دارد و مي تواند نيازهاي انسان را تامين کند. اگر آنها قدرت ندارند که مستقيم تبليغ کنند، ما اين قدرت را داريم و بر اساس فبشر عباد الذين يستمعون القول رفتار مي کنيم، اسلام از منطق قوي برخوردار است و تبليغ مستقيم هم شيوه اي متداول در جهان اسلام بوده و هم مثمرثمر و مفيد بوده است. ما به طرف مقابل خود احترام مي گذاريم و برايش شخصيت قائليم، پس توهيني در کار نيست.

آيا سازمان تبليغات تمايل دارد تبديل به يک NGO شود؟

سازمان تلاش مي کند تا تنها يک سياستگذار باشد و تنها در برنامه ريزي، نظارت و ارزيابي امر تبليغ سهيم باشد. سازمان تلاش مي کند از تصدي گري دور شود و امور را به گروه هاي مردمي واگذار کند و با توجه به اصل 44 قانون اساسي به سوي چنين روشي پيش خواهد رفت.